

## ارزیابی احتمال تعلیق وضعیت دارفور سودان از سوی شورای امنیت

حسین آقایی جنت‌مکان<sup>۱</sup>

### چکیده

با ارجاع وضعیت دارفور سودان به دادستان دیوان بین‌المللی کیفری و صدور حکم جلب عمرالبشیر- رئیس‌جمهور سودان- از سوی شعبه مقدماتی دیوان، جامعه بین‌المللی وارد چالش مهم و بزرگی شده است. دولت سودان و حامیان آن در بین کشورهای عربی، افریقایی و سازمان کنفرانس اسلامی و نیز برخی اعضای دائم شورای امنیت، ضمن اعتراض به صدور حکم جلب، آن را از نظر زمانی نامناسب و مغایر با منافع صلح و امنیت بین‌المللی دانسته، تعلیق رسیدگی به پرونده عمرالبشیر را براساس ماده ۱۶ اساسنامه از دیوان درخواست کردند. از طرف دیگر، دادستان دیوان و برخی از اعضای دائم شورای امنیت، اتحادیه اروپا و امریکا، با حمایت و پشتیبانی از صدور حکم جلب رئیس‌جمهور سودان، تعلیق حکم را ناموجه و باعث خدشه‌دار شدن اعتبار بین‌المللی دیوان می‌دانند. نوشتار کوتاه حاضر کوشش دارد ابتدا واکنش‌های به عمل آمده نسبت به صدور حکم جلب را بیان کند و سپس به ماهیت ارجاع و تعلیق و شرایط قانونی آن‌ها بپردازد. در پایان، نظر موافقان و مخالفان درخواست تعلیق حکم جلب عمرالبشیر بررسی و این نتیجه ارائه گردیده که درخواست تعلیق حکم جلب رئیس‌جمهور سودان، نه به مصلحت جامعه بین‌المللی، صلح بین‌المللی و عدالت بین‌المللی است و نه در جهت منافع قربانیان حوادث دارفور سودان و اعتبار دیوان بین‌المللی کیفری.

واژگان کلیدی: دارفور، سودان، دیوان بین‌المللی کیفری.

---

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز Email: housein\_aghaci@yahoo.com

## مقدمه

دو ماه پس از گزارش کمیسیون بین‌المللی تحقیق<sup>۲</sup> و توصیه این کمیسیون مبنی بر ارجاع فوری وضعیت دارفور سودان<sup>۳</sup> به دیوان بین‌المللی کیفری، شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۳۱ مارس ۲۰۰۵ (۱۱ فروردین ۱۳۸۴)، به موجب قطعنامه ۱۵۹۳ (۲۰۰۵) و برطبق بند «ب» ماده ۱۳ اساسنامه دیوان و با احراز این امر که بحران موجود در دارفور سودان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است، وضعیت دارفور سودان را به دادستان دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع داد.<sup>۴</sup>

با ارجاع وضعیت دارفور سودان به دادستان دیوان بین‌المللی کیفری، دادستان با استفاده از اختیارات خود به موجب مواد ۵۳ و ۵۴ اساسنامه<sup>۵</sup> وارد رسیدگی شد. با انجام تحقیقات لازم و تشخیص ارتکاب جرائم از سوی مقامات سودان و گروه‌های شبه‌نظامی تحت امر دولت سودان، دادستان دیوان براساس ماده ۵۷ اساسنامه<sup>۶</sup> در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۸ صدور حکم جلب رئیس‌جمهور سودان (عمرالبشیر) و تعداد دیگری از مقامات سودان را از شعبه مقدماتی دیوان درخواست کرد. در ۲۱ آوریل ۲۰۰۵ رئیس دیوان بین‌المللی کیفری، قاضی فیلیپ کرش<sup>۷</sup> با صدور قراری با استناد به درخواست دادستان دیوان و ماده ۱۷ موافقتنامه منعقد میان دیوان و سازمان ملل متحد و نیز مواد ۱۱، ۱۲ و ۱۳ اساسنامه و با توجه به بند ۲ ماده ۴۶ آیین‌نامه داخلی دیوان، وضعیت دارفور سودان را به شعبه اول مقدماتی دیوان ارجاع داد.<sup>۸</sup> شعبه اول مقدماتی

۲. برای اطلاع از نحوه تشکیل کمیسیون بین‌المللی تحقیق رجوع کنید به: قاسم، زمانی، شورای امنیت و ارجاع وضعیت دارفور سودان به دیوان کیفری بین‌المللی. *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۱۳۸۳، ش ۶: همچنین:

[http://www.un.org/News/dh/sudan/com\\_inq\\_Darfur.pdf](http://www.un.org/News/dh/sudan/com_inq_Darfur.pdf)

۳. درگیری‌ها در منطقه دارفور سودان از فوریه سال ۲۰۰۳ آغاز شده است که در نتیجه آن حدود ۳۰۰ هزار نفر کشته و حدود دومیلیون و پانصد هزار نفر بی‌خانمان شده‌اند. درگیری‌ها بین دولت حاکم سودان با گروه‌های اقلیت مسیحی مذهب ساکن در جنوب سودان است. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: منبع فوق؛ همچنین:

L. Condorelli and A. Ciampi, «Comments on the security Council referral of the situation in Darfur to the ICC», 3 *Journal of International Criminal Justice* (2005) 590-599, at 596.

۴. وضعیت دارفور سودان، اولین موردی است که توسط شورای امنیت به دیوان ارجاع شده است.

۵. ماده ۵۳ اساسنامه مقرر می‌دارد: دادستان موظف است پس از بررسی و ارزیابی اطلاعاتی که در دسترس او قرار می‌گیرد، شروع به تحقیق کند مگر آن که تشخیص دهد مطابق این اساسنامه، دلایل قانع‌کننده‌ای برای اقدام وجود ندارد...

۶. ماده ۵۷ در این زمینه مقرر می‌دارد (... ۳)

الف) در صورت درخواست دادستان، دستورات و قرارهایی را که برای تحقیق لازم است صادر کند.

7. Philip Kirsh

8. Decision Assigning the Situation in Darfur, Sudan to Pre-Trial Chamber, I, No: ICC-02/05, 21 April 2005.

دیوان متشکل از سه قاضی با ملاحظه دلایل دادستان، در تاریخ چهارم مارس ۲۰۰۹، با درخواست ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۸ وی موافقت کرد.<sup>۹</sup>

اعلام رسمی دادستان مبنی بر درخواست صدور حکم جلب عمرالبشیر به اتهام ژنوسید،<sup>۱۰</sup> جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی<sup>۱۱</sup> از قضات دیوان بین‌المللی کیفری، واکنش‌های متفاوتی را از سوی کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و سایر بازیگران بین‌المللی به همراه داشت. سودان و متحدانش در میان کشورهای افریقایی، عربی و اعضای کنفرانس اسلامی و حتی برخی از اعضای دائم شورای امنیت، ضمن ابراز ناخرسندی از تصمیم دیوان، تعلیق رسیدگی و تحقیق در پرونده عمرالبشیر را خواستار شدند. آنچه در این واکنش‌ها مشترک بود درخواست تعلیق حکم جلب عمرالبشیر از سوی شورای امنیت بود. ارجاع یک وضعیت و تقاضای تعلیق تحقیق و تعقیب دو اختیاری هستند که به‌موجب مواد ۱۳ و ۱۶ اساسنامه دیوان به شورای امنیت واگذار گردیده‌اند. با ارجاع وضعیت دارفور سودان به دیوان، شورای امنیت از اختیار خود استفاده کرده است. بعد از ارجاع وضعیت مزبور، درخواست این است که شورای امنیت از اختیار خود برای تعلیق همان پرونده استفاده کند؛ اما این پرسش مطرح می‌شود که آیا شورای امنیت می‌تواند از اختیارش به‌موجب ماده ۱۶ اساسنامه<sup>۱۲</sup> در جهت تعلیق رسیدگی به پرونده عمرالبشیر استفاده کند یا خیر. چنانچه پاسخ مثبت باشد، آیا اختیار شورای امنیت برای درخواست تعلیق رسیدگی مطلق است یا باید براساس منطق و اصولی باشد و دلایلی برای توجیه آن مطرح گردد. نوشتار حاضر ضمن

---

9. Situation in Darfur, Sudan in the case of the Prosecutor v. Omar Hassan Ahmad Al Bashir (Omar Al bashir), ICC-02/05-01/09-506-03-20091/6CB PT, available at: <http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc639078.pdf>:

۱۰. ناگفته نماند که در گزارش کمیسیون بین‌المللی تحقیق و نیز در تصمیم شعبه مقدماتی دیوان، جنایت نسل‌کشی از سوی عمرالبشیر احراز نگردیده و تنها در درخواست دادستان دیوان این اتهام متوجه عمرالبشیر گردیده است. رجوع کنید به:

Casley, Andrew T. «The Prosecutor's Strategy in seeking the Arrest of Sudanese President Al Bashir on Charges of Genocide», editorial Comments Recent Steps of the Prosecutor in the Darfur Situation: Prosecutor v. President, *Journal of International Criminal Justice* 2008, vol.6., pp.829-840.

۱۱. در حال حاضر، عمرالبشیر به دو اتهام جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی تحت تعقیب دیوان قرار گرفته است که عبارتند از: پنج فقره جنایت علیه بشریت شامل قتل عمد (ماده ۷(الف))، نابود کردن (ماده ۷(ب))، کوچ دادن اجباری ماده ۷(د)، شکنجه (ماده ۷(ه)) و تجاوز جنسی (ماده ۷(و)) اساسنامه دیوان و دو فقره جنایات جنگی شامل حملات عمدی علیه جمعیت غیرنظامی به‌عنوان یک کل یا علیه غیرنظامیانی که در مخاصمات مشارکت نداشته‌اند، (ماده ۸(۲)(ه)) و غارت کردن (ماده ۸(۲)(و)) اساسنامه دیوان. شایان ذکر است که عمرالبشیر متهم است این جنایات را به نحو مباشرت غیرمستقیم مرتکب شده است برای اطلاع بیش‌تر از مفهوم مباشرت غیرمستقیم رجوع کنید به: آقائی جنت مکان، حسین، «مبنای حقوقی درخواست صدور حکم جلب رئیس‌جمهور سودان از سوی دادستان دیوان کیفری بین‌المللی» *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، زیر چاپ.

۱۲. ماده ۱۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به شرح زیر است: پس از صدور قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت به‌موجب فصل هفتم منشور ملل متحد (مبنی بر درخواست تعلیق تحقیق یا تعقیب) هیچ تحقیق یا تعقیبی به‌موجب اساسنامه نمی‌تواند به مدت دوازده ماه شروع شود یا ادامه یابد. این درخواست به‌موجب همان شرایط قابل تجدیدنظر توسط شورای امنیت است.

۹۳ ❖ ارزیابی احتمال تعلیق وضعیت دارفور ...

اشاره به بازتاب‌های بین‌المللی صدور حکم دستگیری عمرالبشیر، تلاش دارد احتمال درخواست شورای امنیت را مبنی بر این‌که رسیدگی به پرونده عمرالبشیر به حالت تعلیق درآید بررسی کند. سپس در صورت امکان، قانونی بودن درخواست تعلیق، شرایط آن و این‌که آیا تعلیق به مصلحت صلح و عدالت بین‌المللی است یا خیر، تجزیه و تحلیل خواهد شد.

### مبحث نخست) واکنش‌های بین‌المللی به درخواست دادستان دیوان

با ارائه درخواست رسمی دادستان دیوان، واکنش‌های اعتراضی متفاوتی به درخواست صدور حکم جلب<sup>۱۳</sup> بین‌المللی عمرالبشیر از سوی دولت سودان<sup>۱۴</sup> و همچنین از سوی سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی به عمل آمد.<sup>۱۵</sup> <sup>۱۶</sup> جامعه عرب<sup>۱۷</sup> نخستین سازمانی بود که بلافاصله در تاریخ ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۸ به اقدام دیوان اعتراض کرد.<sup>۱۸</sup> دو روز بعد، شورای صلح و امنیت اتحادیه افریقا<sup>۱۹</sup> درخواست صدور حکم جلب را تهدیدکننده صلح در منطقه اعلام کرد و از شورای امنیت سازمان ملل خواست با استفاده از قدرت «منفی» خود برای تعلیق تعقیب یا تحقیق به موجب ماده ۱۶ اساسنامه از دیوان بخواهد اقداماتش را دوازده ماه به حالت تعلیق درآورد.<sup>۲۰</sup> شورای مزبور با تأکید بر بیانیه ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۸ خود که در آن صریحاً تأکید کرده بود اجرای عدالت باید طوری

#### 13. Warrant of arrest

۴۱. دولت سودان یک کمیته عالی‌رتبه برای مدیریت بحران با دیوان بین‌المللی کیفری به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور، سالواکیبر (رئیس جبهه آزادی بخش مردم سودان، همتای ارشد در دولت وحدت ملی) تشکیل داد. نمایندگان دارفور و شرق سودان در دولت نیز در این کمیته بودند. گمان این بود که قصد داشتند وحدت ملی را در پاسخ به آنچه به‌عنوان تهدید کشور تلقی می‌شد، منعکس کنند. همراه با این هیأت رسمی، حزب کنگره ملی با گروه‌های عالی مخالف، کمیته ملی تشکیل داد تا از دولت در مقابل دیوان حمایت کند. در جبهه دیپلماتیک، دولت هیأت‌هایی را برای جلب حمایت جهان عرب اعزام کرد. خارطوم از سازمان‌های منطقه‌ای (اتحادیه کشورهای عربی، اتحادیه افریقا و کشورهای کنفرانس اسلامی) درخواست کرد تا کمک کنند آنچه را که تعرض دیوان به حاکمیت، وحدت و ثبات سودان تلقی می‌شود برطرف سازد.

۵۱. زمانی، قاسم، «دیوان کیفری بین‌المللی و صدور قرار بازداشت عمرالبشیر»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۷، ش ۱۴، ص ۳۴؛ همچنین رجوع کنید به:

Ciampi, Annalisa, «The Proceedings against President Al Bashir and the Prospects of their Suspension under Article 16 ICC Statute», *Journal of International Criminal Justice*, 2008, V(6),N(5), p.886 .

۶۱. روزنامه ایران، شماره ۴۱۶۱، شنبه هفدهم اسفند ماه ۱۳۸۷ ص ۳۱ با عنوان «تلاش جهانی برای توقف حکم دادگاه لاهه علیه عمرالبشیر».

#### 17. The league of Arab States

18. see statement of the extra- ordinary session of the ministries council of the League of Arab states to examine the developments in Darfur region , 8 august 2008,in Arabic , posted at the official site of the Arab League, available at [http://www.arableagueonline.org/las/arabic/details-ar.jsp?\\_id](http://www.arableagueonline.org/las/arabic/details-ar.jsp?_id)

#### 19. African Union(AU)Peace and Security Council

۲۰. رئیس‌جمهور تانزانیا که ریاست اتحادیه افریقا را نیز عهده‌دار است اعلام کرد که با شورای امنیت رایزنی خواهد کرد تا ساز و کار ماده ۱۶ اساسنامه دیوان در خصوص تعلیق ادامه تحقیقات، فعال شود. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: قاسم، زمانی، «دیوان کیفری بین‌المللی و صدور قرار بازداشت عمرالبشیر»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۷، ش ۱۴.

دنبال شود که تلاش‌هایی را که هدفشان گسترش صلح است به‌خطر نیندازد و مانع از آن‌ها نگردد. نگرانی اتحادیه آفریقا را از سوءاستفاده از اتهامات علیه رهبران آفریقا یادآوری کرد. به‌علاوه، شورا تصریح کرد که با توجه به ماهیت پیچیده فرایندهای موجود در سودان، تصویب درخواست دادستان از سوی شعبه مقدماتی دیوان می‌تواند تلاش‌های در حال پیشرفتی را که هدفشان تسهیل حل سریع بحران سودان و توسعه صلح و آشتی مستمر در سودان به‌عنوان یک کل است به‌طور جدی به‌خطر بیندازد و در نتیجه، منجر به رنج و بی‌ثباتی بیش‌تر برای مردم سودان، همراه با نتایج دور از دسترس برای کشور و منطقه گردد.<sup>۲۱</sup> سازمان کنفرانس اسلامی و جنبش غیرمتمعهدها نیز واکنش‌های مشابهی نشان دادند. اتحادیه اروپا در تاریخ ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۸ با صدور بیانیه‌ای تأکید کرد که این وظیفه شعبه مقدماتی است که در پاسخ به درخواست دادستان اتخاذ تصمیم کند. اتحادیه اروپا همچنین یادآور شد که دیوان، نقشی اساسی در گسترش عدالت بین‌المللی ایفا کند و به‌ویژه درخواست دارد که حکم جلب صادر شده از سوی دیوان برای دستگیری احمد هارون<sup>۲۲</sup> و علی کشیب<sup>۲۳</sup> اجرا گردد.<sup>۲۴</sup>

این مسأله در بررسی فعالیت مشترک صلح‌بانی سازمان ملل متحد و اتحادیه آفریقا<sup>۲۵</sup> (عملیات دو جانبه اتحادیه آفریقا- سازمان ملل در دارفور که براساس قطعنامه ۱۷۶۹ (۲۰۰۷) برای یک دوره دوازده ماهه تا ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۹ برقرار گردیده است) از سوی شورای امنیت مورد توجه قرار گرفت. قطعنامه ۱۸۲۸ (۲۰۰۸) که با ۱۴ رأی موافق (یک رأی ممتنع امریکا) در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۸ پذیرفته شد بر لزوم محاکمه مرتکبان جنایات تأکید می‌کند و از دولت سودان مصرانه می‌خواهد تعهدات بین‌المللی خود را در این رابطه عملی کند. با این حال، قطعنامه با اشاره به نامه ۲۱ ژوئیه اتحادیه آفریقا، قصد خود را برای توجه بیش‌تر به نگرانی‌هایی که از سوی

---

۱۲. بنابراین شورای صلح و امنیت اتحادیه آفریقا از شورای امنیت درخواست کرد مطابق با ماده ۱۶ اساسنامه دیوان، فرایند آغاز شده از سوی دیوان را به حالت تعلیق درآورد، با در نظر گرفتن لزوم تأمین این‌که تلاش‌های درحال انجام صلح به‌خطر نیفتند، همچنین با در نظر گرفتن این حقیقت که در شرایط فعلی، هرگونه تعقیب به نفع بزه‌دیدگان و عدالت نخواهد بود. رجوع کنید به:

Communiqué of the 142nd meeting of the Peace and Security Council, 21 July 2008, P Security Council/MIN/COMM (CXLII) (available at <http://www.africa-union.org/root/actualites/2008/juillet/psc/142-communique-eng.pdf>).

22. The Decision of Pre-Trial Chamber I on Arrest of Warrants against Ahmad Harun and Ali Kushayb, both of 27 April 2007 (ICC-02/05-01/07).

23. *Ibid.*

24. EU Presidency Declaration after the communiqué of the prosecutor of the International criminal Court (ICC), 15 July 2008, available at [http://www.euroaeu-un.org/article/en/article\\_8023\\_en.htm](http://www.euroaeu-un.org/article/en/article_8023_en.htm).

25. United Nations- African Union Mission in Darfur (UNAMID)

اعضای شورا در رابطه با تحولات احتمالی بعدی در زمینه درخواست ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۸ دادستان دیوان مطرح می شود، یادآوری می کند.<sup>۲۶</sup>

نماینده امریکا، بعد از رأی گیری اظهار داشت که ایالات متحده قویاً از گسترش فعالیت های مشترک صلح بانی سازمان ملل و اتحادیه افریقا حمایت می کند، اما در عین حال، با لحن قطعنامه مخالف است؛ زیرا پیام غلطی را برای دولت سودان می فرستد و تلاش هایی را که برای محاکمه عمرالبشیر و همدستان وی صورت گرفته از بین می برد. به همین دلیل امریکا به قطعنامه رأی ممتنع داد. وی اضافه کرد شورا نمی تواند فجایی را که در طول بحران دارفور واقع شده و رنج انسانی وسیعی را که جهان شاهد آن بوده نادیده بگیرد.<sup>۲۷</sup> هیأت انگلیسی که متن پیشنهادی قطعنامه را تهیه و به عنوان یک هماهنگ کننده غیررسمی عمل می کرد، اظهار داشت: «شورای امنیت هیچ موضعی درخصوص این مسأله که آیا با توجه به پیشنهاد دادستان دیوان برای متهم ساختن عمرالبشیر باید اقدامی صورت گیرد یا خیر، اتخاذ نکرده است. این مسأله باید به وقت دیگری موکول گردد. فرانسه ضمن اصرار بر درخواست از دولت سودان برای اجرای حکم جلب احمد محمد هارون<sup>۲۸</sup> وزیر کشور قبلی سودان و علی کشیب<sup>۲۹</sup> رهبر گروه شبه نظامی جان جاوید در غرب دارفور<sup>۳۰</sup> اعلام کرد درخواست اتحادیه افریقا، برای تعلیق جریان آغاز شده از سوی دیوان باید مد نظر قرار گیرد. هیأت نمایندگی ایتالیا حمایت جدی خود را از اقدام دیوان اعلام کرد و موافقت کامل خود را با بیانیه رئیس اتحادیه اروپا یادآور شد. بلژیک، کاستاریکا و کرواسی نیز از تصمیم شعبه مقدماتی اظهار رضایت کردند.

در مقابل، روسیه نگرانی عمیق خود را درخصوص تحولات منفی احتمالی حوادث در سودان بعد از درخواست دادستان دیوان مورد تأکید قرار داد و اظهار تأسف کرد که این نگرانی کاملاً در قطعنامه اظهار نشده است. چین از درخواست دادستان علیه رئیس جمهور سودان به عنوان یک

۲۶. رجوع کنید به: قطعنامه ۱۸۲۸ (۲۰۰۸) بندهای ۸ و ۹ مقدمه ۲۱.

۲۷. هیأت نمایندگی امریکا همچنین تأکید کرد: شورا باید وضعیت اسفباری را که هنگام تصویب قطعنامه ۱۵۹۳ (۲۰۰۵) وجود داشته، به خاطر داشته باشد و ایالات متحده در آن زمان به اهمیت نقش شورا در ارتباط با تحقیقات و تعقیبات دیوان اشاره کرد. همان گونه که به خوبی می دانیم، ایالات متحده با توجه به نگرانی که در مورد دیوان دارد به آن قطعنامه رأی ممتنع داد، اما همان گونه که گفتیم هنگامی که قطعنامه ۱۵۹۳ (۲۰۰۵) پذیرفته شد، ما قویاً از محاکمه کسانی که مسئول ارتکاب جرائم و شرارت هایی هستند که در دارفور واقع شده و پایان دادن به فرهنگ مصونیت در آنجا حمایت کردیم. نقض حقوق بشردوستانه و حقوق بشر باید با مسئولیت همراه باشد.

28. Ahmad Harun

29. Ali Kushayb

۳۰. حضور داوطلبانه علی کشیب و بحرادریس ابوجردا رئیس و هماهنگ کننده عملیات نظامی جبهه مقاومت متحد در تاریخ ۱۸ می ۲۰۰۹ در مقر دیوان، متعاقب احضار از سوی دیوان، می تواند کمک اساسی به دادستان دیوان در جمع آوری دلایل و مدارک لازم کند. جلسه رسیدگی به منظور تأیید اتهامات در تاریخ ۱۹ اکتبر ۲۰۰۹ برگزار شد. رجوع کنید به:

<http://www.icc-cpi.int/Menus/ICC/Situations>

تصمیم نابجا و نامناسب یاد کرد و حمایت صریح خود را از درخواست بجای اتحادیه افریقا و دیگر سازمان‌ها از شورای امنیت به منظور اتخاذ اقدام سریع برای تعلیق درخواست صدور حکم جلب رئیس‌جمهور سودان اعلام داشت. واکنش‌های مشابهی نیز در بیانیه‌های هیأت‌های دیگر اعضای غیردائم شورای امنیت، یعنی بوركینافاسو، جمهوری عربی لیبی و ویتنام به عمل آمد. نماینده سودان گفت کشورش بسیار خرسند است که شورای امنیت قطعنامه ویژه‌ای را درخصوص یادآوری مجدد فعالیت مشترک صلح‌بانی سازمان ملل متحد و اتحادیه افریقا به تصویب رسانده است.

این واکنش‌های تند در شورای امنیت در مقابل دورنمای متهم ساختن عمرالبشیر از سوی دیوان، همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد منجر به اختلاف در مجمع عمومی گردید، به طوری که دولت‌های عضو اتحادیه افریقا اعتراض خود را نسبت به صدور حکم جلب رئیس‌جمهور سودان یادآوری کردند.<sup>۳۱</sup> مسأله‌ای که بارها در این واکنش‌ها تکرار گردید این بود که حکم جلب درخواست‌شده امکان برقراری صلح در سودان را از بین می‌برد و در مقابل تعلیق از سوی شورای امنیت، دولت سودان باید متعهد گردد که مأموریت فعالیت مشترک صلح‌بانی<sup>۳۲</sup> در دارفور را تضمین کرده، از وقوع جرائم علیه شهروندان در منطقه دارفور جلوگیری و امنیت کارکنان فعالیت مشترک صلح‌بانی را تأمین کند. به علاوه در جهت بازداشت و تحویل دو مظنون قبلی دیوان که از سال ۲۰۰۷ تحت تعقیب قرار دارند، همکاری لازم را به عمل آورد.<sup>۳۳</sup>

در ادامه ابتدا به بررسی ماهیت حقوقی ارجاع و شرایط آن می‌پردازیم (مبحث دوم) و سپس به ماهیت تعلیق و شرایط شکلی و ماهوی آن خواهیم پرداخت (مبحث سوم).

### مبحث دوم) ماهیت حقوقی ارجاع و شرایط آن

به موجب ماده ۱۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری سه شیوه برای شروع به رسیدگی در دیوان وجود دارد: (۱) یک دولت عضو وضعیتی را که در آن به نظر می‌رسد یک یا چند جرم ارتکاب یافته، به موجب ماده ۱۴ به دادستان ارجاع کند؛ (۲) شورای امنیت وضعیتی را که در آن به نظر می‌رسد یک یا چند جرم ارتکاب یافته، به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد به دادستان ارجاع کند؛ (۳) دادستان تحقیقاتی را به موجب ماده ۱۵ در مورد آن جرم شروع کرده باشد.

۱۳. تعدادی از سران کشورها و وزرا در نامه خود به اجلاس مجمع عمومی که در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۸ آغاز به کار کرد، بر لزوم تعلیق رسیدگی به پرونده عمرالبشیر از سوی شورای امنیت تأکید کردند، برای ملاحظه بیانیه رسمی رجوع کنید به:

[Http://www.un.org/ga/63/generaldebate](http://www.un.org/ga/63/generaldebate)

32. UNAMID

33. Cross, 2009:278.

در مورد اختیار ارجاع مذکور از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد به دیوان بین‌المللی کیفری، بحث‌های مهمی در کمیته مقدماتی تهیه پیش‌نویس اساسنامه و کنفرانس رم مطرح شد.<sup>۳۴</sup> برخی کشورها طرفدار ارجاع وضعیت از سوی شورا و برخی مخالف آن بودند. سرانجام با غلبه نظر موافقان، اختیار ارجاع به شورای امنیت داده شد.<sup>۳۵</sup> ارجاع به دیوان بین‌المللی کیفری، ارجاع یک وضعیت است، نه یک پرونده یا شکایتی علیه شخص یا اشخاص.<sup>۳۶</sup> اساسنامه دیوان آگاهانه از اصطلاح «وضعیت»<sup>۳۷</sup> به جای اصطلاح «پرونده»<sup>۳۸</sup> استفاده کرده است.<sup>۳۹</sup>

از نظر شکلی ارجاع باید به موجب قطعنامه به عمل آید. علاوه بر این که قطعنامه باید در چارچوب فصل هفتم منشور باشد باید به تصویب حداقل ۹ عضو شورای امنیت که شامل رأی موافق ۵ عضو دائمی می‌شود، برسد.<sup>۴۰</sup> ماده ۱۷(۱) موافقتنامه روابط بین سازمان ملل متحد و دیوان بین‌المللی کیفری تصریح می‌کند:

«۱. هرگاه شورای امنیت طبق فصل هفتم منشور ملل متحد، تصمیم بگیرد که به موجب ماده ۱۳(ب) اساسنامه، وضعیتی را به دادستان دیوان ارجاع دهد که در آن وضعیت به نظر می‌رسد یک یا چند فقره از جرائم مذکور در ماده ۵ اساسنامه ارتکاب یافته است، دبیرکل ملل متحد سریعاً تصمیم مکتوب شورای امنیت را به همراه اسناد و سایر منابعی که ممکن است مرتبط با تصمیم شورا باشد، به دادستان دیوان منتقل می‌کند. اطلاعات تهیه شده از سوی دیوان طبق اساسنامه و آیین دادرسی و ادله مربوط توسط دبیرکل به شورای امنیت اعلام می‌گردد.»

مهم‌ترین ویژگی ارجاع شورای امنیت که آن را از ارجاع وضعیت توسط دولت‌های عضو متمایز می‌گرداند این است که خصیصه جهانی دارد، بدین معنا که ارجاع شورای امنیت مستلزم

34. Sharon.A.Williams.In O. Triffler (ed), Commentary on the Rome statute of the International Criminal Court (2th end. Munchen: C.H.Beck, 2008) Marg No. 11.

35. برای مطالعه دیدگاه‌های موافقان و مخالفان رجوع کنید به: آقائی جنت مکان. حسین. نظارت قضایی بر تشخیص دادستان دیوان کیفری بین‌المللی، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۱۳۸۸، ش ۳۹؛ همچنین رجوع کنید به: براتی، شهرام، «صلاحیت شورای امنیت درارتباط با دیوان کیفری بین‌المللی»، *مجله پژوهش‌های حقوق و سیاست*، سال ۱۳۸۳، ش نهم.

36. شبت، ا. ویلیام، *مقدمه‌ای بر حقوق کیفری بین‌المللی*؛ ترجمه محمد باقر میرعباسی و حمید الهوتی نظری، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۴، ص ۱۳۲.

37. Situation

38. Case

39. اصطلاح «وضعیت» از سوی هیأت امریکایی پیشنهاد شد تا نگرانی برخی هیأت‌ها را در مورد رژیم پیش‌بینی شده در پیش‌نویس اساسنامه که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تهیه شده بود کاهش دهد. پیش‌نویس اساسنامه به هر دولت عضو اجازه می‌داد پرونده‌های موردی مربوط به تخلفات افراد را انتخاب کند و در رابطه با آن‌ها به دادستان شکواییه ارائه کند که این امر موجب سیاسی شدن دیوان می‌گردید. به نظر هیأت امریکایی واژه «وضعیت» بار سیاسی کم‌تری دارد. در واقع، تشخیص این‌که آیا وضعیتی که توسط یک دولت عضو به دادستان ارجاع شده است، تعقیب کیفری افراد را اقتضا می‌کند یا خیر، به عهده دادستان واگذار می‌شود.

40. سادات میدانی، حسین، *صلاحیت قانونگذاری شورای امنیت*، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴، ص ۵۵.



کسب رضایت هیچ کشوری اعم از کشور محل وقوع جرم یا کشور متبوع متهم نیست.<sup>۴۱</sup> هنگام پیش‌بینی اختیار ارجاع وضعیت به دیوان که منوط به تصویب اعضای دائم شورای امنیت شد، بسیاری تصور می‌کردند که بند «ب» ماده ۱۳ اساسنامه و ماده ۱۶ آن، به‌ویژه با توجه به مخالفت امریکا با استقرار دیوان، هرگز صورت عملی به خود نخواهد گرفت.<sup>۴۲</sup>

شرط ماهوی مهم ارجاع یک وضعیت از سوی شورا به دیوان این است که شورا احراز کند که وضعیت موجود تهدیدکننده صلح، ناقض صلح یا نوعی عمل تجاوزکارانه است.<sup>۴۳</sup> در حقیقت، شورای امنیت قبل از هر چیز باید یک وضعیت عینی را احراز کند و بعد از آن می‌تواند ارتکاب یک یا چند جنایت را در آن وضعیت لحاظ کند.<sup>۴۴</sup> بر همین اساس، شورای امنیت در قطعنامه ۱۵۹۳ با توجه به گزارش کمیسیون بین‌المللی تحقیق احراز کرد که وضعیت موجود در سودان، صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره افکنده است. دیگر این که هدف اقدامات شورای امنیت باید حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی باشد. تردید نیست که دادرسی بین‌المللی ابزاری مناسب برای نیل به صلح بین‌المللی است.<sup>۴۵</sup> سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا دادرسی کیفری بین‌المللی می‌تواند مغایر با استقرار صلح و عدالت بین‌المللی باشد. به نظر من، اجرای عدالت کیفری بین‌المللی همیشه به استقرار صلح و عدالت بین‌المللی منجر می‌گردد.<sup>۴۶</sup> ارجاع یک وضعیت از سوی شورای امنیت به دادستان دیوان جنبه تکلیفی ندارد. به عبارت دیگر، چنانچه پرونده‌ای از سوی شورای امنیت یا یک دولت عضو به دادستان ارجاع گردد و دادستان به این نتیجه برسد که مبنای مستدل و کافی برای ادامه تعقیب وجود ندارد، می‌تواند با اطلاع به کشور ارجاع‌دهنده یا شورای امنیت، حسب مورد، و شعبه مقدماتی جریان رسیدگی را متوقف سازد. دلایل عدم تعقیب و توقف رسیدگی در اساسنامه دیوان پیش‌بینی شده‌اند. البته این تصمیم دادستان از سوی دولت ارجاع‌دهنده یا شورای امنیت در شعبه مقدماتی قابل تجدیدنظر است.<sup>۴۷</sup> به عبارت دیگر، تشخیص ادامه تحقیق یا توقف آن نهایتاً براساس صلاحدید دادستان است.

۱۴. براتی، همان، ص ۱۳۸.

۲۴. زمانی، همان، ۱۳۸۳، ص ۶۳.

43. Akande, Dapo, «The Legal Nature of Security Council Referrals to the ICC and its Impact on Al Bashir's Immunities», *Journal of International Criminal Justice* 2009 7(2), pp. 333-352.

۴۴. زمانی، همان، ۱۳۸۳، ص ۷۴.

۴۵. همان، ۷۶.

۴۶. دادستان دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در بیانیه ۲۷ می ۱۹۹۹ تصریح کرد که اعتقاد راسخ دارد «صلح پایدار و قابل دوام» با گریز از مجازات و بی‌عدالتی برقرار نمی‌شود و با توجه به ادله‌ای که کیفرخواست براساس آن‌ها صادر شده است تردید جدی وجود دارد که متهمان فوق برای انجام یک معاهده عادی صلاحیت داشته باشند، چه رسد به انعقاد یک موافقتنامه صلح، رجوع کنید به: کیتی چایساری، کریانگ ساک، حقوق کیفری بین‌المللی (ترجمه حسین آقائی جنت مکان)، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ص ۳۸۳.

۴۷. شیت، اولیام، همان، ص ۱۳۴.

## مبحث سوم) ماهیت حقوقی تعلیق و شرایط آن

در مورد حق تعلیق تحقیق و تعقیب و واگذاری آن به شورای امنیت، اختلاف نظرهای فراوانی در هنگام مذاکرات مربوط به تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری وجود داشت که پرداختن به آن‌ها از حوصله نوشته حاضر خارج است. اختلاف نظرها به حدی بود که مذاکرات را در بن‌بست قرار داد. سرانجام بعد از بحث‌های فراوان پیرامون واگذاری این حق به شورای امنیت، سرانجام حق مذکور به آن شورا واگذار گردید.<sup>۴۸</sup> جنبش عدم تعهد از مخالفان واگذاری این حق بود. برخی نیز آن را به منزله تسری حق وتو موجود در شورای امنیت به امر اجرای عدالت می‌شمردند.<sup>۴۹</sup> برخی دیگر آن را باعث ناکارآمدی و تضعیف دیوان در آینده می‌دانند.<sup>۵۰</sup> اما مهم‌ترین ایراد به اختیار درخواست تعلیق تحقیق یا تعقیب که به شورای امنیت واگذار گردیده، این است که این اختیار باعث نقض اصل استقلال قضایی دیوان محسوب می‌گردد و مانعی مهم در اعمال صلاحیت دیوان نسبت به جرائم بین‌المللی است.<sup>۵۱</sup>

برای گریز از این بحران، برخی پیشنهاد می‌کنند که باید راه‌کارهای حقوقی و سیاسی را به‌جای تعلیق به کار گرفت.<sup>۵۲</sup>

به موجب ماده ۱۶ اساسنامه، چنانچه قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد صادر گردد و از دیوان خواسته شود تا تحقیق یا تعقیبی را معلق سازد، هیچ تحقیق یا تعقیبی به موجب اساسنامه نمی‌تواند به مدت دوازده ماه شروع شود یا ادامه یابد. این درخواست به موجب همان شرایط توسط شورای امنیت قابل تجدید است. از مطالعه ماده ۱۶ معلوم می‌گردد که به‌منظور تعلیق، دو شرط باید محقق گردد: شرط اول آن است که درخواست تعلیق باید به‌موجب قطعنامه رسمی شورای امنیت سازمان ملل متحد به عمل آید. درخواست شورای امنیت از دادستان دیوان بین‌المللی کیفری مبنی بر تعلیق تعقیب باید در قالب قطعنامه اتخاذ شود.<sup>۵۳</sup> شرایط تصویب قطعنامه نیز همان است که در ماده ۲۷ منشور ملل متحد آمده است. به‌منظور تصویب قطعنامه تعداد ۹ رأی موافق که باید متضمن رأی مثبت کلیه اعضای دائم

۴۸. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع کنید به: میرزایی ینگجه، سعید، سازمان ملل متحد و دیوان کیفری بین‌المللی، در دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران (به اهتمام اسحاق آل حبیب)، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸، ص ۲۵۷ به بعد.

۴۹. همان.

۵۰. سادات میدانی، همان، ص ۵۸.

۵۱. براتی، همان، ص ۱۲۹.

۵۲. همان.

۳۵. هنگامی که شورای امنیت، در اجرای فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، قطعنامه‌ای تصویب و از دیوان درخواست کند که با توجه به ماده ۱۶ اساسنامه، هیچ تحقیق یا تعقیبی را به عهده نگیرد یا دنبال نکند، این درخواست فوراً از طریق دبیرکل به رئیس [دیوان] و دادستان منتقل خواهد شد. دیوان، وصول این درخواست را از طریق دبیرکل اعلام و عنداللزوم، شورای امنیت را همچنان از طریق دبیرکل از اقداماتی که در این رابطه اتخاذ کرده است مطلع خواهد کرد.

شورای امنیت باشد، ضروری است.<sup>۵۴</sup> بنابراین، هیچ‌کدام از اعضای شورای امنیت نمی‌تواند به‌تنهایی فعالیت دیوان را به حالت تعلیق درآورد. شرط دوم آن است که تصمیم شورا باید براساس فصل هفتم منشور ملل متحد باشد؛ بدین معنا که شورای امنیت باید شروع به تحقیق و تعقیب در دیوان و یا ادامه تحقیق یا تعقیب را مسمول عنوان تهدید علیه صلح، نقض صلح و یا عمل تجاوز بداند.<sup>۵۵</sup> در صورت درخواست شورای امنیت هیچ تحقیق یا تعقیبی شروع نمی‌شود یا اگر شروع شده ادامه نمی‌یابد. مدت تعلیق نیز همان‌گونه که در ماده ۱۶ آمده است دوازده ماه است و امکان تمدید آن وجود دارد. ابهامی که در ماده ۱۶ وجود دارد این است که معلوم نیست تقاضای تعلیق چند بار قابل تمدید است.<sup>۵۶</sup> برخی با تعلیق وضعیت دارفور سودان که به دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع گردیده است، موافق و برخی مخالف هستند. بعد از بررسی و تحلیل دیدگاه موافقان و مخالفان، عقیده خود دال بر مخالفت با تعلیق را نیز ارائه خواهیم کرد.

#### مبحث چهارم) ارزیابی احتمال پیشنهاد تعلیق از سوی شورای امنیت براساس ماده ۱۶ اساسنامه

پیشنهاد تعلیق رسیدگی دیوان توسط شورای امنیت را از چند منظر می‌توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. نخست آن که از نظر حقوقی، تردید وجود ندارد که شورای امنیت می‌تواند از اختیارات مثبت<sup>۵۷</sup> و منفی<sup>۵۸</sup> خود در رابطه با یک وضعیت واحد استفاده کند. با تفسیر اصولی مواد ۱۳ و ۱۶ اساسنامه، تردید باقی نمی‌ماند که شورای امنیت حق دارد تحقیق و تعقیب شروع شده در دیوان را به مدت دوازده ماه (که به‌موجب همان شرایط قابل تعلیق مجدد است)، در رابطه با وضعیتی که شورا به دادستان دیوان ارجاع داده، به حالت تعلیق درآورد. به‌آسانی نمی‌توان محدودیت‌هایی را برای تشخیص شورای امنیت در رابطه با دلایل تعلیق پیش‌بینی کرد. بی‌تردید قدرت تشخیصی که شورای امنیت به‌عنوان یک ارگان سیاسی به موجب فصل هفتم از آن برخوردار است، بسیار وسیع است؛<sup>۵۹</sup> ضمن این که شورای امنیت یک نهاد سیاسی است که وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را براساس دکترین صلاحیت نامحدود شورا به عهده دارد و همین امر به

۴۵. براتی، همان، ص ۱۴۱، همچنین علی محمد، صالحی، تحلیل حقوقی ارجاع حقوقی یک وضعیت از سوی شورای امنیت به دیوان کیفری بین‌المللی، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد واحد علوم و تحقیقات اهواز، ۱۳۸۸، ص ۸۵. همچنین رجوع کنید به:

Ciampi, *op.cit.*, p. 887.

۵۵. شیت، اویلیام، همان، ص ۱۳۳.

۵۶. برای مطالعه بیش‌تر درخصوص شرایط تعلیق رجوع کنید به: براتی، همان، ص ۱۴۱.

57. Positive

58. Negative

59. Ciampi, *op.cit.*, p.889; Sharon.A.Wiliam. *op.cit.*, Art.16.Marg, No.25.

شورا اختیار می‌دهد که با توجیه شرایط خاص و به‌نحو موردی تصمیماتی اتخاذ کند که چندان در قالب‌های سخت و غیرقابل انعطاف هنجارهای حقوقی نمی‌گنجد.<sup>۶۰</sup> از مطالعه ماده ۱۷ موافقتنامه روابط بین دیوان و شورای امنیت نیز می‌توان این اختیار را استنباط کرد.<sup>۶۱</sup>

شورای امنیت سازمان ملل متحد تاکنون دوبار<sup>۶۲</sup> از اختیارات قانونی خود برای تعلیق استفاده کرده است که اشاره به آن‌ها مفید به نظر می‌رسد. شورای امنیت در تاریخ ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۲ (۲۱ تیرماه ۱۳۸۱) قطعنامه ۱۴۲۲ را درخصوص مستثنا کردن عملیات ملل متحد از شمول صلاحیت دیوان به تصویب رسانده است. براساس قطعنامه مزبور که به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد به تصویب رسیده، شورای امنیت مطابق ماده ۱۶ اساسنامه دیوان از دیوان می‌خواهد، چنانچه پرونده‌ای در ارتباط با فعالیت‌هایی که نیروها یا کارکنان فعلی یا قبلی دولت‌های غیرعضو اساسنامه رم در راستای انجام وظایف خویش در عملیات ایجاد شده<sup>۶۳</sup> یا تجویز شده<sup>۶۴</sup> از سوی ملل متحد انجام داده‌اند، مطرح گردد، از اول ژوئیه ۲۰۰۲ (تاریخ لازم‌الاجرا شدن اساسنامه دیوان) به مدت دوازده ماه تحقیق یا تعقیب را درخصوص هیچ‌یک از این پرونده‌ها شروع یا ادامه ندهد، مگر آن‌که شورای امنیت به نحو دیگری تصمیم بگیرد.<sup>۶۵</sup>

همان‌گونه که معلوم می‌گردد اقدام شورای امنیت در تصویب قطعنامه ۱۴۲۲ بی‌سابقه است و دامنه تفسیر خود از ماده ۱۶ را به‌شدت توسعه بخشیده است. تصویب قطعنامه مزبور مورد انتقاد قرار گرفته و بسیاری آن را خارج از صلاحیت شورا می‌دانند.<sup>۶۶</sup> و اضافه می‌کنند منظور از این که درخواست به موجب فصل هفتم باشد این نیست که فصل هفتم صرفاً به صورت شکلی در قطعنامه درخواست‌کننده تعلیق مورد استناد قرار گیرد، بلکه منظور این است که چنان چه وضعیتی ماهیتاً با مسائل سه‌گانه مندرج در ماده ۳۹ منشور (نقض صلح، تهدید علیه صلح و عمل تجاوز) مرتبط باشد، شورا بتواند از دیوان درخواست تعلیق کند.

در نشست شورای امنیت درخصوص مأموریت نیروهای ملل متحد در بوسنی و هرزگوین در ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۲، نمایندگان ۶۶ کشور از بین ۷۲ کشور شرکت‌کننده عقیده داشتند که اعمال

۶۰. زمانی، همان، ۱۳۸۷، ص ۳۹.

۶۱. همان‌جا.

۶۲. شورا به موجب قطعنامه ۱۴۸۷ (۱۲ ژوئن ۲۰۰۳) از دیوان درخواست کرد مهلتی را که شورا قبلاً در قطعنامه ۱۴۲۲ (۲۰۰۲) برای تعویق تحقیق یا تعقیب دیوان از اول ژوئیه ۲۰۰۲ تعیین کرده بود تمدید کند.

63. Established

64. Authorized

65. SC.Res.1422 (2002), 12 June 2002.

۶۶. سادات میدانی، همان، ص ۱۳۶.

صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی نمی‌شود و در نتیجه استناد به فصل هفتم برای تعلیق تحقیق یا تعقیب صحیح به نظر نمی‌رسد.<sup>۶۷</sup>

هدف ماده ۱۶ اساسنامه دیوان این است که شورای امنیت بتواند تنها در موارد خاص تحقیق یا تعقیبی را تعلیق کند. هرچند این هدف در وضعیت دارفور سودان می‌تواند محقق گردد، لکن شورای امنیت در قطعنامه ۱۴۲۲ یک تقاضای عام را مطرح کرده که توسعه بیش از حد اختیارات شورا را به همراه دارد.

از طریق تفسیر نظام‌مند مواد ۱۳ و ۱۶ اساسنامه و همچنین موافقتنامه راجع به روابط بین دیوان و شورای امنیت که براساس ماده ۲ اساسنامه تنظیم شده، می‌توان دریافت که شورای امنیت مجاز است وضعیت‌ها و پرونده‌های در حال رسیدگی توسط دیوان را به حالت تعلیق درآورد. با توجه به این‌که واگذاری حق تعلیق تحقیق یا تعقیب، مغایر با اصول حقوقی و در تعارض با کارکرد سیاسی شورا است و در صورت استفاده غیراصولی از آن می‌تواند در آینده منتج به ناکارآمدی مؤثر دیوان گردد، در استفاده از آن باید جانب احتیاط را رعایت کرد.

به نظر می‌رسد در حال حاضر، درخواست تعلیق رسیدگی از سوی شورای امنیت مستلزم آن است که در رابطه با شرایطی که در زمان ارجاع موجود بوده، تغییر اساسی صورت گرفته باشد تا تصمیم به درخواست تعلیق از سوی شورای امنیت را توجیه کند. در تصمیم به درخواست تعلیق، دو مسأله باید مد نظر قرار گیرد: نخست این‌که در اصل، تصمیم شورای امنیت به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد برای تعلیق اعمال صلاحیت دیوان در رابطه با پرونده عمرالبشیر، باید بخشی از تصمیم گسترده‌تر تعلیق وضعیت دارفور سودان باشد. دوم و مهم‌تر آن‌که، اوضاع و احوال استثنایی باید با توجه به وضعیتی که قبلاً به‌عنوان تعقیب مؤثر از سوی دیوان به موردی که اعمال صلاحیت دیوان تهدیدگر صلح و امنیت جهان باشد مشخص گردد. در این رابطه، باید به عوامل مهمی اشاره شود که بتوانند اوضاع و احوال را درخصوص وضعیت فعلی، استثنایی نشان دهند.<sup>۶۸</sup>

مسأله دیگری که مطرح می‌گردد نحوه و زمان اعلام درخواست صدور حکم جلب علیه عمرالبشیر است. برخلاف رویه سابق دفتر دادستانی دیوان،<sup>۶۹</sup> حکم جلب عمرالبشیر در همان

---

۷۶. جالب آن‌که برخی اعضای دائم شورای امنیت استدلال کردند که تهدید ایالات متحده امریکا به وتو کردن عملیات حفظ صلح ملل متحد، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌گردد و این امر می‌تواند مبنای صدور قطعنامه براساس فصل هفتم منشور باشد. برای مطالعه بیش‌تر در این باره رجوع کنید به: سادات میدانی، همان، ص ۱۳۶.

68. Ciampi, *op.cit.*, p.867.

۹۶. شایان ذکر است که دیوان تاکنون ۱۱ حکم جلب صادر کرده که ۶ مورد آن محرمانه بوده است. درمورد این مسأله که آیا دیوان می‌تواند قرار جلب محرمانه صادر کند یا خیر، تردیدهایی وجود دارد. رجوع کنید به: زمانی، همان، ۱۳۸۷، ص ۲۹.

تاریخ صدور، علنی<sup>۷۰</sup> شده است. در مورد علنی کردن حکم جلب عمرالبشیر مباحث زیادی مطرح است. برخی آن را مناسب و برخی نامناسب می‌دانند.<sup>۷۱</sup> اما مهم‌تر از همه، زمان اعلام علنی صدور حکم جلب عمرالبشیر است. گوسنل در مقاله خود با طرح این پرسش که چرا حکم جلب محرمانه صادر نشده، ضمن اشاره به مشکلات مربوط به علنی شدن اجرای حکم جلب، آن را در کوتاه‌مدت یک پیام برای متهم می‌داند که از رفتن به حوزه‌های قضایی که احتمال دستگیری وی وجود دارد، خودداری ورزد، لکن در دراز مدت می‌تواند یک استراتژی تشویق و فشار (چماق و هویج) باشد تا سرانجام باعث انتقال و تحویل متهم به دیوان گردد.<sup>۷۲</sup>

تصمیم به علنی کردن درخواست می‌تواند مشکلاتی را برای دیوان بین‌المللی کیفری به همراه داشته باشد. برخی با علنی کردن صدور حکم جلب به این دلیل مخالفت می‌ورزند که صدور حکم جلب می‌تواند وضعیت امنیتی سودان را تشدید کرده ارسال کمک‌های بشردوستانه به دارفور سودان را با مشکل مواجه سازد و به اعتبار دیوان نیز لطمه وارد کند. همان‌گونه که شورای امنیت در قطعنامه ۱۸۲۸ (۲۰۰۸) مجدداً تأکید کرده است، امتناع برخی گروه‌های شورشی از پیوستن به فرایند سیاسی مانع از دستیابی به یک راه‌حل سیاسی جامع می‌گردد، ضمن آن‌که امنیت کارکنان امور بشردوستانه و نیز توانایی آنان برای تحویل کمک‌های بشردوستانه به مردم تقلیل یافته است. همین‌طور درگیری و خشونت‌های در حال وقوع در دارفور به طرز منفی بر ثبات سودان و همچنین منطقه تأثیرگذار است. از طرف دیگر، دیوان قویاً نیاز دارد تا به‌ویژه، در رابطه با وضعیت دارفور به نتایج قضایی ملموسی دست یابد؛ زیرا از مجموع ۱۲ حکم بازداشت صادر شده از سوی دیوان، ۷ فقره آن هنوز بلا تکلیف است. عدم موفقیت دیوان، عوامل متعددی دارد که از جمله آن‌ها عدم همکاری دولت‌ها در اجرای درخواست حکم جلب و تحویل متهمان است.

مسأله مهم دیگری که مطرح می‌شود این است که عده‌ای سعی دارند رسیدگی در دیوان را در تقابل با صلح و امنیت بین‌المللی قرار دهند، به‌گونه‌ای که رسیدگی دیوان به پرونده عمرالبشیر را مخرب صلح و بر هم زننده امنیت بین‌المللی می‌دانند. اتحادیه افریقا معتقد است در قضیه سودان «صلح» اهمیتی بیش از اجرای «عدالت کیفری» دارد. اتحادیه عرب نیز بارها بر به خطر افتادن صلح و تهدید مذاکرات در منطقه اشاره کرده و توسل به ماده ۱۶ را از سوی شورای امنیت مناسب می‌داند. درخصوص صدور حکم جلب عمرالبشیر دو رویکرد متفاوت بین‌المللی وجود دارد: برخی از حقوق‌دانان بین‌المللی اعتقاد دارند که درخواست حکم جلب و موافقت دیوان با آن

70. public Warrant

۱۷. زمانی، همان‌جا.

72. Gosnell, 2008: 843.

اقدامی در جهت برقراری عدالت است که از آرمان‌های بشریت محسوب می‌گردد.<sup>۷۳</sup> رویکرد دوم، در تلاش برای پرهیز از وخامت امنیت و اوضاع و احوال و ملاحظه جنبه‌های سیاسی قضیه و در نظر گرفتن فرایند صلح است. این رویکرد، اقدامات دادستان را مغایر با صلح و امنیت بین‌المللی تلقی و ناصواب می‌داند.<sup>۷۴</sup>

پیوند بین صلح و امنیت بین‌المللی ناگسستگی است و نمی‌توان بین این دو تفکیک دقیقی به عمل آورد. هرچند وظیفه حفظ و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی به عهده یک نهاد سیاسی شورای امنیت و برقراری عدالت بین‌المللی به عهده نهاد حقوقی - قضایی این شورا واگذار گردیده، اما به نظر می‌رسد بین این دو مؤلفه رابطه‌ای عینی و معنادار وجود دارد. این رابطه را می‌توان از مطالعه مواد ۱۳ و ۱۶ اساسنامه و نیز موافقتنامه روابط بین این دو نهاد که براساس ماده ۲ اساسنامه تنظیم گردیده، استنباط کرد. این دو نهاد کارکردهای متفاوت دارند، اما با یکدیگر مرتبطند.<sup>۷۵</sup> با این حال، نه دیوان که کارکرد ویژه‌اش برقراری عدالت کیفری است می‌تواند از تحقق صلح و امنیت بین‌المللی غفلت کند و نه شورای امنیت که کار ویژه‌اش تأمین صلح و عدالت بین‌المللی براساس رسالت منشور است، می‌تواند از هدف برقراری صلح از طریق اجرای عدالت چشم‌پوشد. همان‌گونه که شعبه بدوی دیوان یوگسلاوی سابق در پرونده یلسیک<sup>۷۶</sup> اشاره کرده است، یکی از مأموریت‌های چنین دادگاه‌هایی یاری رساندن به استقرار مجدد «صلح» در یوگسلاوی سابق است.<sup>۷۷</sup> نگارنده اعتقاد دارد همان‌گونه که دادستان دیوان یوگسلاوی سابق در بیانیه ۲۷ می ۱۹۹۹ تصریح کرده است: «صلح پایدار و قابل دوام» با گریز از مجازات و بی‌عدالتی برقرار نمی‌شود. آقای ژوانه در گزارش خویش به کمیسیون حقوق بشر راجع به بی‌کیفر ماندن مرتکبان نقض‌های حقوق بشری اظهار می‌دارد: «بدون پاسخ مؤثر به نیاز به تحقق عدالت، هیچ‌گونه صلح و آشتی پایداری وجود نخواهد داشت...».<sup>۷۸</sup> از این رو، کسانی که می‌خواهند با توسل به صلح و امنیت بین‌المللی، عدالت کیفری را تعطیل کنند، سخت در اشتباهند. تعقیب مؤثر شدیدترین جنایات بین‌المللی در کل به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی

۷۳. زمانی، همان، ۱۳۸۷، ص ۴۱.

۷۴. کنگره ملی سودان اقدام دادستان را نوعی اخاذی دانست و دیوان را ابزار قدرت‌های بزرگ قلمداد کرد. سفیر سودان در سازمان ملل متحد اظهار داشت که صدور کیفرخواست اثر قابل توجهی در تضعیف حفظ صلح ملل متحد خواهد داشت. برخی مقامات ملل متحد نیز نگرانی خود را از این تصمیم و پیچیده کردن جریان صلح در دارفور ابراز داشتند.

۷۵. زمانی، همان، ۱۳۸۷، ص ۴۲.

#### 76. Jelisic

۷۷. کیتی چایساری، کریانگ ساک، حقوق کیفری بین‌المللی، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷، ص ۳۸۳.

۷۸. گاورون، جسیکا، «عفو در پرتو تحولات حقوق بین‌الملل و تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵، ش ۴۴، ص ۳۴۳.

کمک می‌کند،<sup>۷۹</sup> ضمن آن که دادستان هنگام اتخاذ تصمیم باید زمینه سیاسی و دیپلماتیک را مد نظر قرار دهد.<sup>۸۰</sup> همکاری نهادهای سیاسی و قضایی در پایان دادن به بی‌سزایی جنایات بین‌المللی، جلوه‌ای از رابطه عمیق میان صلح و عدالت بین‌المللی است.<sup>۸۱</sup>

### مبحث پنجم) جایگزین کردن تعلیق با پذیرش تعهدات از سوی دولت سودان

هرچند دولت‌های غیرعضو اساسنامه، از نظر بین‌المللی تعهدی برای همکاری و اجرای حکم جلب و تحویل مظنونان به دیوان ندارند، در بخش دوم قطعنامه ۱۵۹۳ (۲۰۰۵)، شورای امنیت مقرر داشت که براساس این قطعنامه، دولت سودان و همه طرف‌های درگیر در بحران دارفور باید با دیوان و دادستان همکاری کامل کنند و هرگونه کمک لازم را ارائه دهند.<sup>۸۲</sup> به موجب ماده ۸۷ (۵) اساسنامه رم، همچنین هر دولت غیرعضو اساسنامه می‌تواند براساس موافقتنامه ویژه دیگر یا هر توافق دیگر که با هرکدام از دولت‌هایی که عضو این اساسنامه نیستند، امضا می‌کند، آنان را برای اجرای موارد مذکور در این فصل دعوت به همکاری کند. قطعنامه مصوب شورای امنیت براساس فصل هفتم منشور ملل متحد می‌تواند چنین مبنای مناسبی را فراهم سازد. بنابراین، برعکس کشورهای عضو، دولت سودان براساس شرایط مقرر در قطعنامه ۱۵۹۳ (۲۰۰۶) شورای امنیت ملزم به همکاری با دیوان است. در کل، تعهدات دولت سودان به منظور همکاری با قضات و دادستان در اجرای وظایف‌شان حتی بر تعهدات او به موجب هرگونه موافقتنامه بین‌المللی، مطابق با ماده ۲۵ و ۱۰۳ منشور مقدم است<sup>۸۳</sup> و<sup>۸۴</sup> چنان چه یکی از دولت‌های عضو برخلاف مقررات این اساسنامه، به درخواست دیوان برای همکاری ترتیب اثر ندهد و بدین ترتیب، از اجرای وظایف و اختیارات دیوان به موجب اساسنامه جلوگیری کند، و شورای امنیت موضوع را به دیوان ارجاع داده باشد، ماده ۸۷ مقرر می‌دارد که دیوان می‌تواند مسأله را به مجمع عمومی دولت‌های عضو و یا به شورای امنیت گزارش دهد. دیوان در ششمین و هفتمین گزارش خود به شورای امنیت اشاره کرد که دولت سودان با دیوان همکاری نمی‌کند و از شورا خواست تصمیم

۹۷. چایساری، همان، ص ۳۷۲.

80. Ciampi, *op.cit.*

۱۸. زمانی، همان، ۱۳۸۷، ص ۱۳.

82. <http://www.un.org/news/Press/docs/2005/sgsm9797.doc.htm>

۳۸. برای مطالعه بیش‌تر در زمینه همکاری با دیوان رجوع کنید به: آقائی جنت مکان، حسین، «دادگاه ویژه لبنان؛ نگاهی متفاوت در حقوق کیفری بین‌المللی»، *مجله فصلنامه حقوق*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۳۹ (۲). همچنین:

*op.cit.*, p.591 L.condorelli and A.Ciampi.

84. Sluiter, Goran, «Obtaining Cooperation from Sudan- Where is the Law?» Editorial Comments, *Journal of international criminal law*, 2008 6(5).



لازم را اتخاذ کند. در گزارش همچنین آمده بود که دفتر دادسرا قادر است براساس ماده ۵۸ اساسنامه تا ژوئیه ۲۰۰۸ درخواست جدیدی را به قضات ارائه کند (درخواستی که بعداً منجر به درخواست حکم جلب عمرالبشیر گردید).

در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۸ و در پاسخ به درخواست مذکور، رئیس شورای امنیت از طرف شورا، مجدداً تصمیم شورا براساس فصل هفتم منشور را مطابق با قطعنامه ۱۵۹۳ (۲۰۰۵) یادآور شد که دولت سودان و کلیه طرف‌های درگیر در محاصره باید با دادستان و دیوان به‌طور کامل همکاری کنند و هرگونه کمک لازم را مهیا سازند. مطابق با قطعنامه ۱۵۹۳ (۲۰۰۵)، به‌منظور پایان بخشیدن به مصونیت به جرائم ارتكابی در سودان، این امر جدیدی نیست، بلکه بیان مجدد تعهداتی است که قبلاً برای دولت سودان به‌منظور همکاری با دیوان به‌موجب قطعنامه ۱۵۹۳ و مطابق با مقررات اساسنامه تعیین شده است.

با این حال، این مسأله نمی‌تواند باعث شود که درخصوص تعلیق شورای امنیت معامله‌ای صورت گیرد، همان‌گونه که در حال حاضر از سوی دولت سودان و حامیان آن پیشنهاد شده است. قطعنامه شورای امنیت قبلاً تعهداتی را برای دولت سودان و کلیه طرف‌های درگیر در بحران سودان برای همکاری کامل در انجام تحقیقات و تعقیبات با دیوان تعیین کرده است. همین‌طور سودان به موجب تعهدات پیشین خود براساس قواعد عرفی مربوط و معاهداتی که در آن‌ها عضو است ملزم به رعایت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی بوده است. بنابراین، هیچ تعهد جدید یا تازه‌ای برای سودان در اجرای درخواست از این دولت برای دستگیری و تحویل علی کشیب و احمد هارون یا پیش‌گیری از جرائم بر ضد غیرنظامیان و حملات علیه کارکنان مأموریت مشترک صلح‌بانی سازمان ملل متحد و اتحادیه افریقا<sup>۸۵</sup> در دارفور سودان تعیین نشده است، که خود به خود تصمیم به تعلیق از سوی شورای امنیت را توجیه کند.

با آن‌که فشارها بر شورای امنیت برای پیشنهاد تعلیق رسیدگی به پرونده عمرالبشیر زیاد است و حتی در میان حامیان سنتی دیوان این امکان وجود دارد که با درخواست تعلیق موافقت کنند و مایلند موضع نرم‌تری را درخصوص درخواست تعلیق تحقیق یا تعقیب به عمل آورند و حتی برخی از اعضای شورا نظیر چین و روسیه با چنین امری موافق هستند، به نظر می‌رسد ایالات متحده امریکا چندان مایل نیست حتی در قبال پذیرش تعهدات جدید از سوی دولت سودان، با درخواست تعلیق شورای امنیت موافقت کند،<sup>۸۶</sup> به‌ویژه از آن رو که برای تصویب قطعنامه‌ای در

---

## 85. UNAMID

۶۸. به همین دلیل در سوم دسامبر ۲۰۰۸ دادستان دیوان بین‌المللی کیفری از اعضای شورای امنیت درخواست کرد که در مقابل تقاضای تعلیق تعقیب «عمرالبشیر» توسط دیوان مقاومت کنند. رجوع کنید به: <http://inthumrights.blogspot.com/2008/12icc-faces-deferral-of-al-bashir.html> (visited 24 May 2009).

این زمینه، کسب ۹ رأی که موافقت ۵ عضو دائم شورای امنیت را به همراه داشته باشد، نیاز است. به هر حال، شورا تاکنون از اختیار منفی خود برای تعلیق رسیدگی به وضعیت دارفور سودان استفاده نکرده است و بعید به نظر می‌رسد اعضای شورا در آینده نیز به این نتیجه برسند.

### نتیجه‌گیری

اعلام علنی و رسمی درخواست دادستان دیوان بین‌المللی کیفری برای بازداشت عمرالبشیر رئیس‌جمهور سودان و موافقت شعبه مقدماتی دیوان با آن - درحالی‌که عمرالبشیر هنوز در مسند قدرت است - جامعه بین‌المللی را در شرایط کاملاً جدیدی قرار داده است.

جامعه بین‌المللی بیش از یک سده در انتظار محاکمه سران و مقامات عالی‌رتبه کشورها بوده و هر بار در انجام این مهم توفیقی نیافته است. تلاش‌های بین‌المللی برای محاکمه ویلهلم دوم قیصر آلمان بعد از جنگ جهانی اول و هیتلر رهبر آلمان بعد از جنگ جهانی دوم ناکام ماند. هرچند جامعه بین‌المللی توانست از طریق تشکیل دادگاه‌های اختصاصی (موقت) میلوزویچ رئیس‌جمهور سابق یوگسلاوی و برخی مقامات عالی‌رتبه رواندا را به پای میز محاکمه بکشاند، لکن آن‌ها زمانی تحت تعقیب قرار گرفتند که در مسند قدرت نبودند. رسیدگی به پرونده عمرالبشیر از این جهت اهمیت مضاعف می‌یابد که وی رئیس‌جمهور بالفعل است و از ابزارهای قضایی، اقتصادی، مالی، سیاسی و ... برخوردار است. توسل به نهادهای قضایی ملی برای اجرای عدالت کیفری درمورد مرتکبان شدیدترین جنایات بین‌المللی نظیر جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی چاره‌ساز نیست؛ زیرا در نهادهای قضایی ملی اراده و توانایی به محاکمه کشاندن صاحب‌منصبان و زمامداران حاکم در کشورها وجود ندارد. از طرف دیگر، استفاده از مصونیت در داخل مرزهای ملی آنان را از محاکمه و مجازات می‌رهاند. تاکنون در هیچ پرونده‌ای به اندازه پرونده عمرالبشیر اهتمام جامعه بین‌المللی بر محاکمه و مجازات عاملان جنایات بین‌المللی قوی نبوده است. ارجاع پرونده عمرالبشیر از سوی شورای امنیت، نتایج بررسی‌های کمیسیون بین‌المللی تحقیق، احراز اتهامات از سوی دادستان و تأیید این اتهامات از سوی شعبه مقدماتی دیوان و اظهارنظر دبیرکل سازمان ملل خطاب به متهم، مبنی بر این‌که دیوان یک نهاد قضایی بین‌المللی است که او نمی‌تواند در کار چنین نهادی دخالت کند، پشتوانه محکمی از عزم جامعه بین‌المللی را جهت محاکمه و مجازات عمرالبشیر فراهم کرده است.

اهمیت دیگر صدور حکم جلب عمرالبشیر این است که وی رئیس‌جمهور کشوری است که تاکنون به اساسنامه دیوان ملحق نگردیده و بنابراین، این اقدام مهم نشان می‌دهد که نه مصونیت‌های ملی و بین‌المللی اعتباری دارد و نه عضویت یا عدم عضویت یک کشور در دیوان می‌تواند سران جنایتکار آن کشور را از مجازات برهاند. به نظر می‌رسد جامعه بین‌المللی و مردم

جهان بایست تاریخ علنی شدن صدور حکم جلب عمرالبشیر را جشن می‌گرفتند؛ زیرا همان‌گونه که نگارنده در کتاب «محاكمه قدرت» آورده است، قرن بیست و یکم قرن «محاكمه قدرت» است و پایان فرهنگ بی‌سزایی.<sup>۸۷</sup>

دیوان بین‌المللی کیفری، با الهام از تجربه دیوان‌های بین‌المللی کیفری اختصاصی نشان داده که دادرسی کیفری بین‌المللی عملی و امکان‌پذیر است و از این پس مفردی برای گریختن جنایتکاران از چنگال عدالت وجود ندارد. خوشبختانه رسیدگی به پرونده عمرالبشیر تا این مرحله با موفقیت همراه بوده است. تعدادی از متهمان دارفور سودان از جمله علی‌الکشیب و بحر ادریس ابوحردا<sup>۸۸</sup> داوطلبانه خود را به دیوان معرفی و مورد تحقیق قرار گرفته‌اند. دادستان دیوان نیز باید سعی کند از طریق احکام جلب محرمانه علیه متهمان دون‌پایه سودانی که در جنایات ارتكابی در دارفور مشارکت داشته‌اند، مبنای مستدلی برای ادامه تعقیب و نیز اقناع جامعه بین‌المللی فراهم سازد.<sup>۸۹</sup> این امر باعث می‌شود که دولت سودان برای رهایی از فشار بین‌المللی مجبور شود متهم را تحویل دیوان کند. این مسأله می‌تواند به اعتبار دیوان و استقرار آن در اولین گامی که برداشته کمک کند. بهتر است متهم نیز هرچه زودتر خود را تسلیم کند تا از کیفیات مخففه قانونی و قضایی از سوی دیوان برخوردار گردد. بودند کسانی که اجرای عدالت کیفری بین‌المللی را سالیان متمادی به سخره می‌گرفتند، اما سرانجام تسلیم عدالت کیفری بین‌المللی گردیدند.

در پایان باید یادآور شد که به لحاظ اصولی و منطقی، صدور قطعنامه دال بر ارجاع یک وضعیت به دیوان بین‌المللی کیفری توسط شورای امنیت، و تعلیق رسیدگی به همان وضعیت در مدت زمان کوتاه از زمان ارجاع چندان موجه و مطلوب به نظر نمی‌رسد؛ زیرا شورای امنیت باید برای درخواست تعلیق توجیه داشته باشد. در برابر، تصویب هرگونه قطعنامه مبنی بر درخواست تعلیق تحقیق یا تعقیب از سوی شورای امنیت به اعتبار جهانی این شورا لطمه جبران‌ناپذیر وارد می‌سازد.

نکته‌ای که باید در نظر گرفت آن است که وضعیت دارفور سودان یکی از چهار وضعیتی است که به دیوان ارجاع شده و موضوع همه آن‌ها کشورهای افریقایی است.<sup>۹۰</sup> هرچند دادستان

---

۷۸. آقای جنت مکان، حسین، *محاكمه قدرت (مسئولیت کیفری مقامات مافوق و زیردستان آنان در حقوق کیفری بین‌المللی)*، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶، فصل چهارم.

۸۸. جلسه رسیدگی برای تأیید اتهامات وی در تاریخ ۱۹ اکتبر ۲۰۰۹ برگزار شد.

۹۰. این پیشنهاد از سوی بیش‌تر صاحب‌نظران ارائه گردیده است. رجوع کنید به: همان، ۱۳۸۷، ص ۴۴؛ Cross, op.cit., p.851; Gosnell, op.cit., p. 287.

۹۰. برخی ادعا کرده‌اند که دیوان برای محاكمه افریقا و افریقایی‌ها تشکیل شده است. رجوع کنید به: Kenneth Anderson, «The Rise of International Criminal Law: intended and Unintended Consequences». *European journal of International Law*, 2009, Vol.20.No.2.

همیشه تحقیقات خود را براساس ارجاع شورای امنیت یا ارجاع از سوی خود<sup>۹۱</sup> کشورهای مورد نظر آغاز کرده است، لکن این مسأله عدالت‌گزینی را مطرح می‌سازد. از این رو، دیوان باید با ظرافت با این مسأله برخورد کند؛ زیرا از ۱۰۸ کشور عضو اساسنامه دیوان، ۳۰ کشور از قاره افریقا هستند که بزرگ‌ترین منطقه جغرافیایی را تشکیل می‌دهند. از این نظر احتمال دارد کشورهای افریقایی که به دیوان ملحق شده‌اند، از حمایت فعالانه خود از دیوان در آینده بکاهند و حتی خطر انصراف این کشورها از دیوان دور از ذهن نیست.

---

91. self-referral